



آیت الله جوادی آملی: هنر باید بوی ابدیت بدهد / هنر دینی رهاورد ملکوت را در می یابد

آیت الله جوادی آملی گفت: بهترین هنر آن است که هنرمند ابتدا خود را بشناسد چرا که اگر خود را نشناسد هنری نخواهد داشت، هنر باید بوی ابدیت بدهد و نشان دهد که انسان ثابت است و نه ساکن!

آیت الله جوادی آملی گفت: بهترین هنر آن است که هنرمند ابتدا خود را بشناسد چرا که اگر خود را نشناسد هنری نخواهد داشت، هنر باید بوی ابدیت بدهد و نشان دهد که انسان ثابت است و نه ساکن!

به گزارش خبرگزاری مهر، جمعی از مدیران و مسئولین سازمان هنری رسانه ای اوج با حضور در محل بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء با آیت الله جوادی آملی دیدار و گفتگو کردند.

آیت الله جوادی آملی در این دیدار با تسلیت ارتحال آیت الله هاشمی رفسنجانی اظهار داشت: درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی نشان داد انسان می تواند یک عمر درست زندگی کند و در راه هدف بلند خود، هر آسیب و رنجی که به او رسید را تحمل کند.

وی در ادامه اولین قدم انسان در مسیر هنرمند شدن را شناخت خود عنوان کرد و بیان داشت: اولین قدم در هنرمند شدن این است که انسان هنرمند، خود را بشناسد تا بعد بتواند خوابیده ها و افراد ساکن را بیدار و پویا کند. هنرمند باید خود را بشناسد که موجودی ابدی است، چرا که دین می گوید شما تنها یک دشمن دارید و آن مرگ است که در مصاف با آن پیروز هستید و شما مرگ را می میرانید نه اینکه بمیرید.

وی تاکید داشت: بهترین هنر آن است که هنرمند ابتدا خود را بشناسد چرا که اگر خود را نشناسد هنری نخواهد داشت، هنر باید بوی ابدیت بدهد و نشان دهد که انسان ثابت است و نه ساکن! اگر چنین ایمانی در هنرمند بود فکر ابدی و خروجی ابدی نیز خواهد داشت.

وی ادامه داد: دو غده در تفکر غرب وجود دارد؛ یکی انکار معاد و دیگری انکار تجرد روح، غرب انسان را موجودی می داند که با مرگ تمام می شود و می پوسد و معتقد است غیر از این آسمان و زمین خبری نیست و لذا تمام تولیدات غرب از جمله هنر و سینمای آن معطوف به این دو منظر است. ریشه تمام مشکلات در تفکر غرب این است که دنیا را همین چند روز می بیند و نمی فهمد اعمال انسان همواره همراه اوست و نتایج و آثار آنها به خود او برخواهد گشت.

وی خاطرنشان کرد: هنر غرب بالاتر از خیال را نمی شناسد و تنها بین حس و خیال حرکت می کند در حالی که هنر دینی از خیال به وحی می رسد و رهاورد ملکوت را در می یابد.

آیت الله جوادی آملی در فراز دیگری از سخنان خود اظهار داشت: حضرت امیر(ع) می فرماید ارزش هر انسان به هنر اوست! لذا طبق فرمایش حضرت ارزش هر کس به هنر اوست و نباید خود را مزدور و وابسته به این گروه یا آن گروه کند؛ هنرمند اگر خود را بشناسد می فهمد نباید به کسی وابسته و یا مزدور کسی باشد، هنرمند وابسته، هنرمند نیست بلکه کاسب است.

وی ابراز داشت: لذت از زیبایی در ذات و فطرت انسان نهادینه شده است و از این حیث هنرمند کار آسانی در پیش دارد و تنها کافی است انسان را متوجه فطرت خود کند، هنرمند باید معقول را متخیل و متخیل را محسوس کند تا در نتیجه هنر او، مخاطب عاقل شود و نه خیال.

وی ادامه داد: هنری که تنها در محدوده حس به خیال و خیال به حس حرکت می کند تنها خیال می پروراند، در حالی که هنرمند باید متخیله قوی داشته باشد و متخیله خود را پرورش دهد.

وی در تبیین تفاوت وهم، خیال و متخیله تصریح داشت: بین وهم، خیال و متخیله فرق است؛ ما یک وهم داریم که مسئول درک معانی جزئی است و یک خیال داریم که مسئول بایگانی صور است، اما در کنار آنها یک قوه متخیله هم داریم که اگر ضعیف باشد انسان توان ابداع نخواهد داشت، اما اگر قوه متخیله قوی باشد آنگاه معانی جزئی وهم و صور بایگانی شده در خیال را دوخت و دوز می کند، آنها را به هم پیوند و ربط می دهد و مفهوم جدید ابداع و ارائه می کند لذا هنرمند باید عاقله قوی و متخیله فعال داشته باشد.

وی افزود: گرچه کار هنرمند در گرو متخیله قوی است اما سرمایه آن را باید از معقولات تامین کند، هنرمند باید سرمایه و مایه اثر هنری خود را از عقل بگیرد چراکه متخیله هرچند قوی، بدون سرمایه عقل کاری پیش نخواهد برد.

وی درباره تاثیرگذاری سینما نسبت به سایر رسانه ها اظهار داشت: در هر عصری ابزار مختلفی جهت انتقال معارف و حقایق الهی در اختیار بشر بوده است، الان ابزار سینما بهترین راه برای جذب مخاطبان و تبلیغ معارف الهی است و ذائقه مردم نیز این را می پذیرد، چرا که سینما تمام ابعاد و وجوه ادراکی انسان را تأمین می کند و اگر خود هنرمندان به آنچه می گویند باور داشته باشند این طعم به ذائقه بیننده منتقل خواهد شد و تاثیر بیشتری خواهد گذاشت.

آیت الله جوادی آملی رسالت هنر را مورد اشاره قرار داد و بیان داشت: اگر بخواهیم هنری داشته باشیم باید از عاقله به متخیله و از متخیله به حس حرکت کنیم تا هنر معقول تولید شود که همه جهات ادراکی انسان را تامین کند و بشر بفهمد یک گمشده ای دارد و این حداقل تاثیر هنر معقول در جامعه است.

وی خاطرنشان کرد: هنر باید انسانیت، کرامت و وجه مشترک انسان با فرشتگان را نشان دهد؛ دنیا تشنه این معارف است.

وی توصیه کرد: مناسب است در کنار سایر برنامه های خود جلسات قرآنی داشته باشید تا برای شما مشخص شود انسان از منظر قرآن چگونه موجودی است و چه جایگاهی در هستی دارد.

وی با اشاره به موضوع الگوسازی فرهنگی اظهار داشت: برخی تنها نقاط منفی را می بینند در حالی که ما خوبان جامعه را ببینیم و از آنها الگو سازی کنیم؛ شهدا و جانبازان را به جامعه معرفی کنیم، اینها الگوی ما هستند، این کشور را اینها زنده کرده اند، بنابراین هرگز نباید اجازه بدهیم عده قلیلی از افراد فاسد در جامعه تبدیل به الگو و شاخص شوند و در این راه بحمدالله دست شما پر است، وصیت نامه شهداء نیز می تواند در این مسیر کمک و آموزنده باشد.